

Islamic Knowledge and Insight

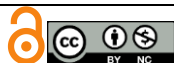
Comparative Analysis of Governance Ethics in the Alawite Tradition and the Soleimani School

1. Esmat Golestani: PhD Student, Department of Islamic History and Civilization, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran
2. Ali Rahimi Sadegh*: Assistant Professor, Department of History, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran. (Email: ali_rahimisadegh@yahoo.com)
3. Ebrahim Khorasani parizi: Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran

Abstract

This article, aiming to conduct a comparative analysis of governance principles in the Alawite tradition and the Soleimani School, seeks to attain a deeper understanding of these two managerial models and demonstrate how these principles can be applied to effective governance and societal management. By analyzing and comparing the principles and practices of Imam Ali (AS) and Martyr Soleimani, it becomes evident that both emphasized justice, transparency, ethics and spirituality, and public participation in their pursuit of establishing a just and sustainable society. Furthermore, this study examines the strengths and weaknesses of both models in managing social and security issues and proposes practical strategies for utilizing these principles in contemporary governance. Governance, its various models, and the multiple debates surrounding it remain a highly discussed topic in the realm of governance in the present era. Since 1980, with the introduction of the concept of good governance by the World Bank, numerous efforts and diverse narratives regarding governance and its models have emerged. The proliferation of different governance models in recent years reflects the complexity and dynamic nature of this field. Alongside discussions on governance models, the subject of governance ethics has also gained prominence, and it can be argued that governance ethics constitutes the guiding spirit of governance models and the distinguishing factor between them. Following the martyrdom of Martyr Soleimani, the most significant statement and description of him was undoubtedly provided by the Supreme Leader (May his shadow endure), who referred to him as embodying a "school of thought." Given this description, it is imperative for scholars to elucidate the various dimensions of this school, one of which is the governance ethics of Martyr Soleimani. This article endeavors to identify and codify the components of governance ethics in the Soleimani School. Through a review of various articles, research studies, and the foundational principles of Islamic thought, the study provides a general exposition of governance ethics theories in the Alawite tradition. Subsequently, using thematic analysis, the components of governance ethics in the Alawite tradition and the Soleimani School are extracted and presented based on Martyr Soleimani's speeches, interviews, will, and other credible sources.

Keywords: modesty, hijab, epistemological model, Sahifa Sajjadiya, chaste living.



How to cite: Golestani, E., Rahimi Sadegh, A., & Khorasani Parizi, E. (2024). Comparative Analysis of Governance Ethics in the Alawite Tradition and the Soleimani School. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(3), 174-189.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 20 August 2024

Revise Date: 18 September 2024

Accept Date: 1 October 2024

Publish Date: 17 October 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

بررسی تطبیقی اخلاق حکمرانی در سیره علوی و مکتب شهید سلیمانی

۱. عصمت گلستانی: دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران
۲. علی رحیمی صادق*: استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. (پست الکترونیک: ali_rahimisadegh@yahoo.com)
۳. ابراهیم خراسانی پاریزی: استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

چکیده

این مقاله، با هدف بررسی تطبیقی اصول حکمرانی در سیره علوی و مکتب شهید سلیمانی، تلاش دارد تا به درک بهتری از این دو الگوی مدیریتی برسد و نشان دهد که چگونه این اصول می‌توانند در حکمرانی مطلوب و مدیریت جامعه به کار گرفته شوند. با تحلیل و مقایسه اصول و عملکردهای امام علی (ع) و شهید سلیمانی، خواهیم دید که هر دو با تأکید بر عدالت، شفافیت، اخلاق و معنویت، و مشارکت مردمی، به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پایدار بوده‌اند. همچنین در این مقاله تلاش می‌شود تا نقاط قوت و ضعف هر دو الگو در مدیریت مسائل اجتماعی و امنیتی مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهای عملی برای بهره‌برداری از این اصول در حکمرانی معاصر ارائه شود. حکمرانی، الگوهای مختلف آن و مباحث متعدد ذیل آن، از جمله موضوعات پر بحث در حاکمیتی عصر حاضر است. از ۱۹۸۰ و با ارائه مفهوم حکمرانی خوب توسط بانک جهانی تا به امروز، شاهد تلاش‌های فراوان و روایت‌های گوناگونی در رابطه با حکمرانی و الگوهای آن بوده‌ایم. تعدد الگوهای مختلف حکمرانی، خود در این چند سال اخیر نشان از این فضا و شرایط پیچیده دارد. به موازات بحث بر سر الگوهای حکمرانی، موضوع اخلاق حکمرانی نیز مطرح گردیده است و شاید بتوان گفت که اخلاق حکمرانی روح حاکم بر الگوهای حکمرانی و وجه تمایز آن‌ها با هم است. پس از شهادت شهید سلیمانی بی شک، مهمترین گزاره و توصیف درباره ایشان را رهبر معظم (مدظله) فرمودند که از ایشان به «مکتب» یاد کردند. با لحاظ این توصیف، ضروری است تا محققان ابعاد مختلف این مکتب را تبیین نمایند؛ یکی از این ابعاد اخلاق حکمرانی شهید سلیمانی است که در این مقاله سعی شده است مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی در مکتب شهید سلیمانی احصاء و تدوین گردد. این مقاله، با مراجعه به مقالات و پژوهش‌های مختلف و نیز مبانی اندیشه اسلامی به تبیین کلی نظریات اخلاق حکمرانی علوی پرداخته است. سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی علوی مکتب شهید سلیمانی با استفاده از متن سخنرانی‌ها، مصاحبه و وصیت نامه شهید بزرگوار و سایر منابع معتبر استخراج و ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی علوی، اخلاق حکمرانی، مکتب سلیمانی، حکمرانی.

شیوه استناددهی: گلستانی، عصمت، رحیمی صادق، علی، و خراسانی پاریزی، ابراهیم. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی اخلاق حکمرانی در سیره علوی و مکتب شهید سلیمانی. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۲(۳)، ۱۷۴-۱۸۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳۰ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۷ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۰ مهر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۶ مهر ۱۴۰۳

مقدمه

حکمرانی یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین جنبه‌های اداره جوامع انسانی است که نیازمند توجه به اصول و ارزش‌های مختلفی است. در تاریخ اسلام، شخصیت‌های بزرگی نظیر امام علی (ع) و شهید قاسم سلیمانی با دیدگاه‌ها و عملکردهای خود در زمینه حکمرانی، الگوهای بی‌بدیل و مهمی برای مدیریت و رهبری اسلامی ارائه داده‌اند. این الگوها با تمرکز بر ارزش‌های اسلامی و انسانی، نقشی بی‌بدیل در تقویت عدالت، اخلاق، امنیت و توسعه پایدار در جوامع اسلامی داشته‌اند.

امام علی (ع)، نخستین امام شیعیان و خلیفه چهارم مسلمین، با سیره عملی و گفتارهای خود اصول حکمرانی عادلانه و مسئولیت‌پذیر را تبیین کرده است. نهج‌البلاغه، نامه‌ها و خطبه‌های ایشان، گنجینه‌هایی از اصول حکمرانی در اسلام به‌شمار می‌رود که بر اساس عدالت، اخلاق و مشارکت مردمی بنا شده‌اند. امام علی (ع) با تأکید بر ارزش‌های انسانی، همواره به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه و منصفانه بوده است و در این راه، حقوق انسان‌ها، شفافیت در حکمرانی و اهمیت اخلاق و معنویت را بسیار مورد تأکید قرار داده است.

شهید سپهبد قاسم سلیمانی، به عنوان یکی از فرماندهان برجسته و تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر استقلال، خوداتکایی و دفاع از مظلومان و مستضعفان، نشان داده است که چگونه می‌توان در دنیای معاصر از اصول حکمرانی اسلامی بهره‌برداری کرد. وی با استراتژی‌ها و عملکردهای خود در مقابله با تهدیدات خارجی و تقویت محور مقاومت، نمونه‌ای از حکمرانی عملی و مؤثر را به نمایش گذاشته است. شهید سلیمانی با رفتار و عملکرد خود به همگان نشان داد که دفاع از عدالت و دفاع از حقوق مستضعفین باید

به عنوان یکی از اصول اساسی حکمرانی در نظر گرفته شود (Salar, Zehi & Ebrahimpour, 2012).

بررسی تطبیقی اصول حکمرانی در سیره علوی و مکتب شهید سلیمانی، به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری این دو الگو، می‌تواند به عنوان راهنمایی برای سیاست‌گذاران و مدیران جامعه اسلامی در جهت بهبود حکمرانی و مدیریت کلان جامعه مورد استفاده قرار گیرد. با استفاده از این اصول و ارزش‌ها، می‌توان به تقویت عدالت اجتماعی، ارتقای امنیت و ایجاد همبستگی و اتحاد میان اعضای جامعه اسلامی دست یافت و در نهایت به توسعه پایدار و رفاه عمومی دست یافت. در ادامه این مقاله، به بررسی اصول حکمرانی در سیره علوی و مکتب شهید سلیمانی، نمونه‌های عملی حکمرانی در دوران امام علی (ع) و شهید سلیمانی، و مقایسه و تحلیل تطبیقی این دو الگو پرداخته خواهد شد. هدف این پژوهش، ارائه یک تحلیل جامع و کاربردی از اصول حکمرانی در اسلام و نشان دادن چگونگی بهره‌برداری از این اصول در مدیریت و حکمرانی مطلوب در جامعه معاصر است.

حکمرانی در سیره علوی

تعریف سیره علوی

سیره علوی به معنای شیوه و روش زندگی امام علی (ع)، نخستین امام شیعیان و خلیفه چهارم مسلمین، است. امام علی (ع) یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که با سیره و روش حکمرانی خود، الگوی بی‌بدیلی از عدالت، تقوا، اخلاق، شفافیت و مسئولیت‌پذیری را به جامعه اسلامی ارائه داده است. سیره علوی بر اساس آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر اسلام (ص) بنا شده و به عنوان یک الگوی عملی در مدیریت و حکمرانی اسلامی شناخته می‌شود (Zarei, 2004).

How to cite: Mohammadi Zaer, S., Anjomshoa, Z., Salajegheh, S., Nazari, A., Pour Rashidi, R. (2024). Epistemology of Faith and Doubt in Islamic Philosophy and Its Impact on Individual Life. *Islamic Knowledge and Insight*, 1(1), 1-11.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date:

Revise Date:

Accept Date:

Publish Date:

شیوه استناددهی: محمدی زائر، سارا، انجم شعاع، زهرا، سلاجقه، سنجر، نظری، اکبر، و پور رشیدی، رستم. (۱۴۰۳). معرفت‌شناسی ایمان و شک در فلسفه اسلامی و تأثیر آن بر زندگی فردی. معرفت و بصیرت اسلامی، ۱(۱)، ۱-۱۱.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ چاپ:

مفهوم سیره علوی

سیره علوی به مجموعه‌ای از رفتارها، گفتارها و تصمیمات امام علی (ع) در دوران زندگی و خلافت ایشان اشاره دارد که بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی و انسانی بنا شده است. این سیره شامل موضوعاتی همچون عدالت اجتماعی، حقوق انسان‌ها، شفافیت در حکمرانی، اهمیت اخلاق و معنویت در زندگی فردی و اجتماعی و مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌ها است. امام علی (ع) با تأکید بر این اصول، تلاش داشت تا جامعه‌ای عادلانه و منصفانه را برای همه افراد فراهم آورد.

منابع اصلی سیره علوی

سیره علوی به وسیله منابع معتبر و معتبر اسلامی مستند شده است. از مهم‌ترین منابع سیره علوی می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

۱. نهج‌البلاغه: نهج‌البلاغه مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع) است که توسط سید رضی گردآوری شده است. این کتاب به عنوان یکی از منابع اصلی سیره علوی شناخته می‌شود و به تحلیل و تفسیر اصول حکمرانی امام علی (ع) پرداخته است. در نهج‌البلاغه، امام علی (ع) به موضوعات مختلفی از جمله عدالت اجتماعی، اهمیت اخلاق و تقوا، حقوق انسان‌ها و شفافیت در حکمرانی پرداخته است.
۲. غررالحکم و دررالحکم: غررالحکم و دررالحکم نیز یکی دیگر از منابع مهم سیره علوی است که شامل مجموعه‌ای از حکمت‌ها و آموزه‌های امام علی (ع) است. این کتاب توسط عبدالواحد آمدی گردآوری شده و به تبیین اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی امام علی (ع) می‌پردازد.

۳. کتاب‌های تاریخی: علاوه بر منابع ذکر شده، کتاب‌های تاریخی نیز به بررسی زندگی و سیره امام علی (ع) پرداخته‌اند. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به تاریخ طبری، الکامل فی التاریخ ابن اثیر، سیره ابن هشام و تاریخ یعقوبی اشاره کرد. این کتاب‌ها به تحلیل و بررسی

دوران خلافت امام علی (ع) و نقش ایشان در تحولات سیاسی و اجتماعی آن زمان پرداخته‌اند.

۴. کتاب‌های تفسیری و روایی: منابع دیگری نیز همچون کتاب‌های تفسیری و روایی مانند تفسیر المیزان علامه طباطبائی، بحارالانوار علامه مجلسی و اصول کافی شیخ کلینی به بررسی و تفسیر سیره علوی پرداخته‌اند. این منابع به تحلیل عمیق‌تر اصول و ارزش‌های امام علی (ع) و نقش ایشان در تبیین و ترویج این اصول پرداخته‌اند.

اصول حکمرانی در سیره علوی

امام علی (ع) با تأکید بر اصول حکمرانی عادلانه و مسئولیت‌پذیر، تلاش داشت تا جامعه‌ای عادلانه و منصفانه را برای همه افراد فراهم آورد. برخی از مهم‌ترین اصول حکمرانی در سیره علوی عبارتند از (Mohammadi, 2017):

۱. عدالت اجتماعی: امام علی (ع) همواره بر اهمیت عدالت اجتماعی تأکید داشت و در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود سعی می‌کرد تا حقوق همه افراد جامعه را رعایت کند و به نفع همگان عمل کند. او بر این باور بود که عدالت اجتماعی پایه و اساس حکمرانی عادلانه است و بدون آن، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به رفاه و پیشرفت دست یابد.
۲. حقوق انسان‌ها: امام علی (ع) به حقوق انسان‌ها و رعایت حقوق عمومی اهمیت زیادی می‌داد. او معتقد بود که حکمرانان باید حقوق همه افراد جامعه را رعایت کنند و به عنوان نمایندگان مردم، مسئولیت‌پذیر باشند. امام علی (ع) با تأکید بر حقوق انسانی، تلاش داشت تا جامعه‌ای عادلانه و منصفانه برای همه افراد فراهم آورد.
۳. شفافیت و پاسخگویی: یکی دیگر از اصول حکمرانی در سیره علوی، شفافیت و پاسخگویی حکمرانان است. امام علی (ع) بر این باور بود که حکمرانان باید در تمامی اقدامات و تصمیمات خود شفافیت داشته باشند و به مردم پاسخگو باشند. او معتقد بود که شفافیت و پاسخگویی باعث اعتماد مردم به حکمرانان می‌شود و به تقویت همبستگی اجتماعی کمک می‌کند.

۴. اهمیت اخلاق و معنویت: امام علی (ع) بر اهمیت اخلاق و معنویت در زندگی فردی و اجتماعی تأکید داشت. او معتقد بود که حکمرانان باید با اخلاق و تقوا عمل کنند و از ارزش‌های اسلامی و انسانی پیروی کنند. امام علی (ع) با تأکید بر اخلاق و معنویت، تلاش داشت تا جامعه‌ای پایدار و منصفانه برای همه افراد فراهم آورد.

۵. مشارکت مردمی: امام علی (ع) به مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور جامعه اهمیت زیادی می‌داد. او معتقد بود که حکمرانان باید با مردم مشورت کنند و نظر آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها مد نظر قرار دهند. امام علی (ع) با تأکید بر مشارکت مردمی، تلاش داشت تا جامعه‌ای همبسته و متحد ایجاد کند.

نمونه‌های عملی حکمرانی در دوران امام علی (ع)

امام علی (ع)، نخستین امام شیعیان و خلیفه چهارم مسلمین، با رفتار و عملکرد خود در دوران خلافت، نمونه‌های عملی بسیاری از اصول حکمرانی عادلانه و مسئولیت‌پذیر را به نمایش گذاشت. در این بخش به بررسی برخی از مهم‌ترین نمونه‌های عملی حکمرانی امام علی (ع) در دوران خلافت ایشان می‌پردازیم. این نمونه‌ها نشان‌دهنده تعهد امام علی (ع) به اصول عدالت اجتماعی، حقوق انسان‌ها، شفافیت و پاسخگویی، اخلاق و معنویت و مشارکت مردمی است (Mousavi et al., 2018).

۱. برخورد با مخالفان و دشمنان

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های عملی حکمرانی امام علی (ع) در دوران خلافت، برخورد با مخالفان و دشمنان بود. امام علی (ع) با مخالفان و دشمنان خود با عدالت و اخلاق برخورد می‌کرد. او به حقوق مخالفان احترام می‌گذاشت و تلاش می‌کرد تا با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و مذاکره، اختلافات را حل و فصل کند. به عنوان مثال، در جنگ جمل، امام علی (ع) با عایشه، طلحه و زبیر که از مخالفان او بودند، با احترام و عدالت برخورد کرد و سعی کرد تا با مذاکره و گفتگو از جنگ و خونریزی جلوگیری کند. او در این جنگ، قبل از شروع هرگونه نبردی، تلاش کرد تا با فرستادن پیام‌ها و سفیران، مخالفان خود را به صلح و گفتگو دعوت کند.

امام علی (ع) در جنگ صفین نیز با معاویه، که یکی از بزرگ‌ترین دشمنان او بود، به همین شیوه عمل کرد. او با ارسال نامه‌ها و پیام‌های مکرر به معاویه، سعی کرد تا او را به صلح و پایان دادن به جنگ دعوت کند. امام علی (ع) در این جنگ نیز تلاش داشت تا از خونریزی و تلفات انسانی جلوگیری کند و با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز، اختلافات را حل و فصل کند.

۲. مدیریت منابع و اقتصاد

یکی دیگر از نمونه‌های عملی حکمرانی امام علی (ع) در دوران خلافت، مدیریت منابع و اقتصاد جامعه بود. امام علی (ع) به مدیریت منابع و اقتصاد جامعه اهمیت زیادی می‌داد و با استفاده از اصول عدالت اجتماعی و شفافیت در توزیع منابع، تلاش می‌کرد تا نیازهای همه افراد جامعه را برآورده کند و از تجمع ثروت در دست عده‌ای خاص جلوگیری کند. امام علی (ع) در این زمینه نیز به نامه‌ها و دستورات خود به فرمانداران و مسئولان محلی تأکید می‌کرد که منابع و اموال عمومی را به‌طور عادلانه توزیع کنند و به نیازهای محرومان و مستضعفان توجه ویژه‌ای داشته باشند.

امام علی (ع) در دوران خلافت خود، با استفاده از راهکارهای مختلف، سعی کرد تا عدالت اقتصادی را در جامعه برقرار کند. او با اجرای برنامه‌های مختلفی همچون توزیع عادلانه اموال و منابع، کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از احتکار، تلاش کرد تا بهبود وضعیت اقتصادی مردم را فراهم کند. امام علی (ع) همچنین به فرمانداران و مسئولان محلی دستور می‌داد که بازرسی‌های منظم انجام دهند و از هرگونه فساد و نابرابری در توزیع منابع جلوگیری کنند.

۳. توجه به مسائل اجتماعی و رفاه عمومی

امام علی (ع) در دوران خلافت خود به مسائل اجتماعی و رفاه عمومی اهمیت زیادی می‌داد. او با برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های مختلف، تلاش می‌کرد تا مشکلات اجتماعی را حل و فصل کند و به نیازهای مردم پاسخ دهد. به عنوان مثال، امام علی (ع) با تأکید بر اهمیت آموزش و پرورش، تلاش می‌کرد تا سطح آموزش و آگاهی مردم را افزایش دهد و بهبود بخشد. او معتقد بود که آموزش و

پرورش یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه و پیشرفت جامعه است و باید به آن توجه ویژه‌ای شود.

امام علی (ع) همچنین به بهبود وضعیت بهداشت و درمان مردم اهمیت زیادی می‌داد. او با اجرای برنامه‌های مختلف، سعی کرد تا خدمات بهداشتی و درمانی را به همه افراد جامعه فراهم کند و از بیماری‌ها و مشکلات بهداشتی جلوگیری کند. امام علی (ع) همچنین به تأمین مسکن برای نیازمندان توجه ویژه‌ای داشت و با اجرای برنامه‌های مختلف، تلاش کرد تا شرایط زندگی مردم را بهبود بخشد (Midari & Kheirkhah, 2004).

۴. شفافیت و پاسخگویی در حکمرانی

امام علی (ع) در دوران خلافت خود همواره بر شفافیت و پاسخگویی در حکمرانی تأکید داشت. او معتقد بود که حکمرانان باید در تمامی اقدامات و تصمیمات خود شفافیت داشته باشند و به مردم پاسخگو باشند. امام علی (ع) با این رویکرد، تلاش داشت تا اعتماد مردم به حکمرانان را جلب کند و همبستگی اجتماعی را تقویت کند. به عنوان مثال، امام علی (ع) در یکی از خطبه‌های خود به مردم فرمود: "من هیچ کاری را پنهان از شما انجام نمی‌دهم و هیچ تصمیمی را بدون مشورت با شما نمی‌گیرم." (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶)

امام علی (ع) با این رویکرد، تلاش داشت تا حکمرانی شفاف و پاسخگو را در جامعه اسلامی ترویج دهد و به مردم نشان دهد که حکمرانان باید همواره در خدمت مردم باشند و به نیازها و مشکلات آن‌ها توجه کنند.

۵. مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌ها

امام علی (ع) به مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور جامعه اهمیت زیادی می‌داد. او معتقد بود که حکمرانان باید با مردم مشورت کنند و نظر آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها مد نظر قرار دهند. امام علی (ع) با تأکید بر مشارکت مردمی، تلاش داشت تا جامعه‌ای همبسته و متحد ایجاد کند.

به عنوان مثال، امام علی (ع) در یکی از نامه‌های خود به مالک اشتر نوشت:

"با مردم مشورت کن و نظرات آن‌ها را بپرس، زیرا که در مشورت با مردم، خرد و دانایی به دست می‌آید." (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

امام علی (ع) با این رویکرد، تلاش داشت تا حکمرانی مشارکتی را در جامعه اسلامی ترویج دهد و به مردم نشان دهد که حکمرانان باید همواره در خدمت مردم باشند و به نیازها و مشکلات آن‌ها توجه کنند.

۶. تلاش برای ایجاد امنیت و ثبات

یکی دیگر از نمونه‌های عملی حکمرانی امام علی (ع) در دوران خلافت، تلاش برای ایجاد امنیت و ثبات در جامعه بود. امام علی (ع) معتقد بود که بدون امنیت و ثبات، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به رفاه و پیشرفت دست یابد. او با استفاده از روش‌های مختلف، تلاش می‌کرد تا امنیت و ثبات را در جامعه برقرار کند و از هرگونه تهدید و خطر جلوگیری کند. امام علی (ع) با ایجاد نیروی نظامی قوی و کارآمد، به دفاع از مرزها و امنیت داخلی جامعه پرداخت و با دشمنان و مخالفان خود با عدالت و اخلاق برخورد کرد.

۷. ترویج ارزش‌های اخلاقی و معنوی

امام علی (ع) در دوران خلافت خود به ترویج ارزش‌های اخلاقی و معنوی اهمیت زیادی می‌داد. او معتقد بود که اخلاق و معنویت پایه و اساس هر جامعه‌ای است و بدون آن، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به پایداری و رفاه دست یابد. امام علی (ع) با استفاده از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های خود، به ترویج ارزش‌های اخلاقی و معنوی می‌پرداخت و مردم را به تقوا، انصاف، صداقت و عدالت دعوت می‌کرد. او با تأکید بر اهمیت اخلاق و معنویت، تلاش داشت تا جامعه‌ای پایدار و منصفانه برای همه افراد فراهم آورد (Mohaghegh et al., 2009).

حکمرانی در مکتب شهید سلیمانی

مکتب شهید سلیمانی، که به نام سردار شهید قاسم سلیمانی نامگذاری شده است، نمادی از مقاومت، ایثار، و وفاداری به ارزش‌های انقلابی و اسلامی است. این مکتب نه تنها به عنوان یک الگوی نظامی، بلکه به عنوان یک فلسفه‌ی زندگی و راهبردی برای مبارزه با ظلم و

رفاه و آسایش آن‌ها بود. این ویژگی‌های اخلاقی باعث شده بود که او در دل‌های بسیاری از مردم جای بگیرد.

۶. وحدت و همبستگی: شهید سلیمانی همواره بر اهمیت وحدت و همبستگی میان مسلمانان و کشورهای منطقه تأکید داشت. او معتقد بود که تنها با اتحاد و همکاری می‌توان در برابر دشمنان مشترک ایستادگی کرد. این دیدگاه باعث شد که او نقش مهمی در تقویت روابط ایران با کشورهای منطقه ایفا کند.

۷. ساده‌زیستی و دوری از تجملات: شهید سلیمانی با وجود مسئولیت‌های مهم و موقعیت‌های بالای نظامی، همواره زندگی ساده‌ای داشت و از تجملات دوری می‌کرد. این ساده‌زیستی نشان‌دهنده‌ی تواضع و فروتنی او بود و الگویی برای دیگران به شمار می‌رفت (Vaezi, 2019).

تأثیر مکتب شهید سلیمانی بر منطقه و جهان

شهید سلیمانی با رهبری نیروهای مقاومت در منطقه، به ویژه در مبارزه با تروریسم، نقش مهمی در تغییر معادلات منطقه‌ای و جهانی ایفا کرد. او با تشکیل محور مقاومت، توانست کشورها و گروه‌های مختلف را در برابر دشمنان مشترک متحد کند. این اتحاد نه تنها باعث تضعیف گروه‌های تروریستی مانند داعش شد، بلکه تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های جهانی گذاشت.

مکتب شهید سلیمانی امروزه به عنوان یک الگوی مبارزه و مقاومت در سراسر جهان شناخته می‌شود. بسیاری از مردم و گروه‌ها در کشورهای مختلف، از فلسفه و روش‌های او الهام گرفته‌اند و به مبارزه با ظلم و استکبار ادامه می‌دهند.

مکتب شهید سلیمانی نه تنها یک الگوی نظامی، بلکه یک فلسفه‌ی زندگی است که بر پایه‌ی ایمان، مقاومت، دفاع از مظلومان، و وحدت استوار است. این مکتب به ما می‌آموزد که در برابر ظلم و ستم نباید سکوت کرد و باید با تمام توان به مقابله با آن پرداخت. شهید سلیمانی با زندگی و شهادت خود، نشان داد که چگونه می‌توان با ایمان و اراده‌ی قوی، در برابر دشمنان ایستادگی کرد و به پیروزی

استکبار جهانی شناخته می‌شود. شهید سلیمانی به عنوان یکی از برجسته‌ترین فرماندهان نظامی ایران و منطقه، توانست با رهبری هوشمندانه و روحیه‌ی مقاومت، تأثیر عمیقی بر تحولات منطقه‌ای و جهانی بگذارد (Naderi, 2011).

اصول و ویژگی‌های مکتب شهید سلیمانی

۱. ایمان و اعتقاد راسخ به خداوند: یکی از پایه‌های اصلی مکتب شهید سلیمانی، ایمان عمیق به خداوند و اعتقاد به مشیت الهی بود. او همواره تأکید می‌کرد که پیروزی‌هایش نه از روی توانایی‌های شخصی، بلکه از لطف و اراده‌ی خداوند است. این ایمان باعث می‌شد که در سخت‌ترین شرایط نیز ناامید نشود و به راه خود ادامه دهد.

۲. دفاع از مظلومان و مقابله با ظلم: شهید سلیمانی همواره بر این اصل تأکید داشت که باید در برابر ظلم و ستم ایستادگی کرد و از مظلومان دفاع نمود. او در طول سال‌های فعالیتش در منطقه، به ویژه در مبارزه با گروه‌های تروریستی مانند داعش، نشان داد که دفاع از انسان‌های بی‌گناه و مظلوم، یکی از اصلی‌ترین اهدافش است.

۳. وفاداری به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه: شهید سلیمانی به عنوان یک سرباز وفادار به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه، همواره از دستورات رهبری ایران پیروی می‌کرد. او معتقد بود که پیروی از ولایت فقیه، ضامن بقا و موفقیت انقلاب اسلامی است (Nikoonasbati, 2012).

۴. روحیه‌ی جهادی و مقاومت: روحیه‌ی جهادی و مقاومت از ویژگی‌های بارز مکتب شهید سلیمانی است. او همواره بر این نکته تأکید داشت که در برابر دشمنان اسلام و ایران نباید تسلیم شد و باید با تمام توان به مقابله با آن‌ها پرداخت. این روحیه‌ی مقاومت در عملیات‌های مختلف نظامی او به وضوح دیده می‌شد.

۵. اخلاق و رفتار انسانی: شهید سلیمانی نه تنها به عنوان یک فرماندهی نظامی، بلکه به عنوان یک انسان با اخلاق و مهربان شناخته می‌شد. او با سربازان و مردم با احترام و مهربانی رفتار می‌کرد و همواره به فکر

رسید. مکتب او همچنان زنده است و الهام بخش بسیاری از مبارزان و مقاومت گران در سراسر جهان می باشد.

اصول حکمرانی در مکتب شهید سلیمانی

ترکیبی از اقتدار، معنویت و مردم سالاری

مکتب شهید سلیمانی فراتر از یک شخصیت نظامی، نشان دهنده الگویی از حکمرانی است که بر پایه های اقتدار، معنویت و مردم سالاری استوار است. این مکتب، اصول و ارزش هایی را ارائه می دهد که می توانند در زمینه های مختلف حکمرانی، از جمله مدیریت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، راهنمای عمل باشند. درک دقیق این اصول مستلزم بررسی دقیق عملکرد و اندیشه های شهید سلیمانی و تطبیق آن با مفاهیم مرتبط با حکمرانی است (Shafiei, Seif Abadi & Abedi Ardakani, 2021).

۱. اقتدار مبتنی بر شایستگی و لیاقت

شهید سلیمانی به جای اتکا به قدرت صرف، بر شایستگی و لیاقت در انتخاب و انتصاب افراد تاکید داشت. وی افراد را بر اساس توانایی ها، تعهد و وفاداری به آرمان ها گزینش می کرد و به آن ها اعتماد کامل می بخشید. این شیوه انتخاب و اعتماد به افراد متخصص و شایسته، تضمین کننده کارایی و اثربخشی در سیستم حکمرانی است.

۲. معنویت و اخلاق در رأس امور

معنویت و اخلاق در مکتب شهید سلیمانی ستون اصلی حکمرانی به شمار می رود. وی همواره بر پابندی به ارزش های اسلامی و انسانی تاکید می کرد و عمل خود را بر این مبنا تنظیم می کرد. این رویکرد، اعتماد عمومی را جلب کرده و منجر به مشروعیت و پایایی حکمرانی می شود. شفافیت و مبارزه با فساد نیز از اصول اخلاقی این مکتب است که تضمین کننده عدالت و انصاف است.

۳. مردم سالاری و مشارکت مردمی

اگرچه شهید سلیمانی فرمانده نظامی بود، اما به اهمیت مشارکت مردم و نظرخواهی از آن ها واقف بود. وی همواره تلاش می کرد تا با مردم ارتباط برقرار کند و از نیازها و خواسته های آن ها آگاه شود. این رویکرد، منجر به ایجاد اعتماد و همدلی بین مردم و حاکمیت می شود

و از ایجاد شکاف اجتماعی جلوگیری می کند. گوش دادن به انتقادات و استفاده از نظرات مردم در تصمیم گیری ها، از دیگر ویژگی های این رویکرد مردم سالارانه است.

۴. عدالت اجتماعی و رفع تبعیض

مکتب شهید سلیمانی به عدالت اجتماعی و رفع تبعیض میان مردم اهمیت بسیاری می دهد. وی همواره تلاش می کرد تا در خدمت به محرومان و مستضعفان باشد و از ظلم و ستم به آن ها جلوگیری کند. تأمین نیازهای اساسی مردم، از قبیل غذا، مسکن، بهداشت و آموزش، از جمله وظایف مهم حاکمیت در این مکتب است.

۵. تدبیر و دوراندیشی در تصمیم گیری

شهید سلیمانی در تصمیم گیری های خود، همواره تدبیر و دوراندیشی را سرلوحه قرار می داد. وی قبل از هر اقدامی، جوانب مختلف را بررسی می کرد و با مشورت با افراد متخصص، بهترین راهکار را انتخاب می کرد. این رویکرد، از بروز خطا و اشتباه در تصمیم گیری ها جلوگیری کرده و منجر به موفقیت در دستیابی به اهداف می شود.

۶. شجاعت و مقاومت در برابر ظلم

شجاعت و مقاومت در برابر ظلم از ویژگی های بارز مکتب شهید سلیمانی است. وی در مقابل زورگویی ها و ستمگری ها تسلیم نمی شد و تا آخر ایستادگی می کرد. این رویکرد، الگویی برای مبارزه با ظلم و استبداد در سطوح مختلف حکمرانی است. مقاومت در برابر فشارهای داخلی و خارجی و دفاع از منافع ملی، از دیگر مولفه های این اصل است.

۷. دیپلماسی و گفتگو

با وجود رویکرد قاطعانه در برابر ظلم، شهید سلیمانی به اهمیت دیپلماسی و گفتگو نیز واقف بود. وی در بسیاری از مواقع تلاش می کرد تا از طریق مذاکره و گفتگو، مشکلات را حل کند و از بروز جنگ و درگیری جلوگیری نماید. این رویکرد، نشان دهنده

هوشمندی و مهارت دیپلماسی اوست که می‌تواند الگوی مناسبی برای حل و فصل اختلافات و تعاملات بین‌المللی باشد.

۸. تمرکز بر توانمندسازی و استقلال

یکی از اصول کلیدی مکتب سلیمانی، تمرکز بر توانمندسازی مردم و ایجاد استقلال ملی است. این امر از طریق تقویت زیرساخت‌ها، حمایت از تولید داخلی، و آموزش و پرورش نیروهای متخصص تحقق می‌یابد. خودکفایی و کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی، از پیامدهای مهم این رویکرد است.

در مجموع، مکتب شهید سلیمانی الگویی جامع از حکمرانی را ارائه می‌دهد که بر پایه‌های اقتدار، معنویت، مردم‌سالاری، عدالت، تدبیر و شجاعت استوار است. این اصول، می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای طراحی و اجرای نظام‌های حکمرانی کارآمد و عادلانه در سطوح ملی و بین‌المللی باشد. البته باید توجه داشت که این اصول در بستر تاریخی و فرهنگی خاصی شکل گرفته‌اند و ممکن است در شرایط و جوامع مختلف نیاز به تطبیق و تفسیر مجدد داشته باشند.

نمونه‌های عملی حکمرانی در دوران شهید سلیمانی

شهید قاسم سلیمانی یکی از چهره‌های برجسته و اثرگذار در تاریخ معاصر ایران و منطقه خاورمیانه بود. او در طول دوران زندگی خود نمونه‌هایی از حکمرانی مؤثر و کارآمد ارائه داد که به‌ویژه در شرایط بحران و چالش‌های امنیتی نقش مهمی ایفا کرد. در ادامه به بررسی دقیق‌تر و گسترده‌تر برخی از این نمونه‌ها پرداخته می‌شود:

۱. تربیت افراد جوان

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های حکمرانی شهید سلیمانی، توجه و اهمیت بالایی بود که به تربیت و پرورش نسل جوان می‌داد. او باور داشت که جوانان آینده‌سازان کشور هستند و برای ساختن جامعه‌ای پویا و پایدار، لازم است که به تربیت آنان از نظر اخلاقی، دینی و علمی توجه شود. در این راستا، ایشان با برگزاری جلسات آموزشی و تربیتی برای جوانان، به آنان اصول و ارزش‌های اخلاقی و دینی را تعلیم می‌داد. همچنین، شهید سلیمانی تلاش می‌کرد که جوانان را به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دعوت کند و به آنان مسئولیت‌های

مهمی در این زمینه بسپارد تا توانایی‌ها و استعداد‌های خود را در خدمت جامعه به کار گیرند. نمونه‌های عملی این رویکرد را می‌توان در تأسیس و حمایت از گروه‌های جهادی و فرهنگی جوانان مشاهده کرد که به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی به خدمات‌رسانی می‌پرداختند (Kardanpour et al., 2018).

۲. مدیریت امنیتی

شهید سلیمانی با توجه به تجربه‌های فراوانش در حوزه‌های امنیتی و نظامی، نقش بسیار مؤثری در مدیریت امنیت کشور و منطقه ایفا کرد. او با ایجاد و تقویت سیستم‌های امنیتی پیشرفته و هماهنگی میان نیروهای مختلف امنیتی، به ارتقاء سطح امنیت ملی کمک شایانی کرد. یکی از نمونه‌های بارز فعالیت‌های امنیتی او، نقش کلیدی او در مبارزه با گروه‌های تروریستی در منطقه بود. شهید سلیمانی با تشکیل و فرماندهی نیروهای مردمی و نظامی، توانست تهدیدهای امنیتی داخلی و خارجی را به طور قابل توجهی کاهش دهد. ایشان همچنین در تعاملات بین‌المللی و دیپلماسی امنیتی نیز نقش مؤثری داشت و با ایجاد شبکه‌های همکاری با نیروهای مقاومت منطقه‌ای، به تقویت جبهه‌های مقابله با تروریسم کمک کرد.

۳. ترویج ارزش‌های اخلاقی

شهید سلیمانی با رفتار و کردار خود، الگویی برای ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی بود. او همواره در برخورد با مردم و همکاران خود با تواضع و احترام رفتار می‌کرد و به امانت‌داری و خدمت‌گذاری به مردم اهمیت ویژه‌ای می‌داد. شهید سلیمانی با شرکت در برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی و حضور فعال در میان مردم، تلاش می‌کرد تا ارزش‌های اخلاقی و دینی را در جامعه ترویج دهد. ایشان با تأکید بر اصولی مانند صداقت، عدالت و ایثار، سعی داشت تا فرهنگ خدمت‌رسانی و کمک به دیگران را در جامعه گسترش دهد. نمونه‌های عملی این ارزش‌ها را می‌توان در فعالیت‌های خیریه و جهادی ایشان مشاهده کرد که به‌ویژه در زمان وقوع بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی، به کمک و حمایت از آسیب‌دیدگان می‌پرداختند.

۴. مدیریت پروژه‌های عمرانی

شهید سلیمانی در مدیریت پروژه‌های عمرانی نیز فعالیت‌های گسترده‌ای داشت و به بهبود زیرساخت‌های مختلف کشور می‌پرداخت. او با برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های عمرانی در مناطق محروم و کم‌برخوردار، سعی داشت تا شرایط زندگی مردم این مناطق را بهبود بخشد. از جمله پروژه‌های مهمی که به دست ایشان مدیریت می‌شد، می‌توان به ایجاد و توسعه مراکز بهداشتی و درمانی، ساخت مدارس و مؤسسات آموزشی، و پروژه‌های مرتبط با بهبود وضعیت زندگی مردم اشاره کرد. شهید سلیمانی با پیگیری و نظارت دقیق بر این پروژه‌ها، اطمینان حاصل می‌کرد که تمامی منابع و امکانات به بهترین شکل ممکن برای خدمت به مردم به کار گرفته شود. ایشان همچنین با تأسیس و حمایت از مؤسسات خیریه و نهادهای غیرانتفاعی، به کمک و حمایت از افراد نیازمند و مستضعف می‌پرداخت و سعی داشت تا با فراهم کردن امکانات آموزشی و بهداشتی، فرصت‌های برابر را برای همه افراد جامعه فراهم کند.

۵. ترویج فرهنگ و تاریخ اسلامی و ایرانی

شهید سلیمانی به ترویج فرهنگ و تاریخ اسلامی و ایرانی علاقه‌مند بود و در این زمینه نیز فعالیت‌های متعددی انجام داد. او با ایجاد و حمایت از مراکز آموزشی، فرهنگی و کتابخانه‌ها، به حفظ و گسترش میراث فرهنگی کشور کمک شایانی کرد. شهید سلیمانی با برگزاری برنامه‌های فرهنگی و هنری و شرکت در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی و فرهنگی، به شناساندن ارزش‌های فرهنگی و تاریخی کشور به نسل‌های جدید می‌پرداخت. ایشان همچنین با تأکید بر اهمیت فرهنگ و تاریخ، تلاش می‌کرد تا روحیه و هویت ملی و دینی را در میان مردم تقویت کند. نمونه‌های عملی این رویکرد را می‌توان در تأسیس و حمایت از مراکز فرهنگی و هنری، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری، و تشویق به مطالعه و پژوهش در زمینه‌های فرهنگی و تاریخی مشاهده کرد.

مقایسه و تحلیل تطبیقی

مقایسه اصول حکمرانی در سیره علوی و مکتب شهید سلیمانی

حکمرانی در سیره علوی (امام علی علیه‌السلام) و مکتب شهید قاسم سلیمانی دارای اصول و ارزش‌هایی است که در تعامل با جامعه و مدیریت امور مختلف، نقش بسزایی ایفا می‌کنند. در ادامه، به بررسی و مقایسه برخی از این اصول حکمرانی پرداخته می‌شود (Labaf & Deloui, 2005).

۱. عدالت

- سیره علوی: امام علی (ع) همواره بر اصول عدالت تأکید داشت و در تمامی جوانب حکمرانی خود، از قضاوت‌ها و تصمیمات قضایی تا تقسیم منابع و امکانات، عدالت را رعایت می‌کرد. او معتقد بود که عدالت بنیان جامعه‌ای سالم و پویا است و هیچ کس نباید در برابر قانون مستثنی باشد. از جمله نمونه‌های بارز اجرای عدالت توسط امام علی (ع)، حکم دادن به نفع مظلوم و مقابله با ظلم و ستم بود.

- مکتب شهید سلیمانی: شهید سلیمانی نیز در فعالیت‌های خود بر اصول عدالت تأکید داشت. او با ترویج عدالت اجتماعی و اقتصادی، سعی داشت تا نابرابری‌ها را کاهش دهد و فرصت‌های برابر را برای همه فراهم کند. شهید سلیمانی در تعاملات خود با مردم و نیروهای تحت فرمانش، همواره به عدالت پایبند بود و تلاش می‌کرد تا حقوق همه افراد رعایت شود.

۲. تواضع و خدمت‌گذاری

- سیره علوی: امام علی (ع) با تواضع و فروتنی با مردم رفتار می‌کرد و به خدمت‌گذاری به مردم اهمیت ویژه‌ای می‌داد. او خود را خادم مردم می‌دانست و سعی داشت تا با رفع مشکلات و نیازهای آنان، زندگی بهتری را برایشان فراهم کند. نمونه‌هایی از این خدمت‌گذاری‌ها شامل حضور در میان مردم، گوش دادن به مشکلات آنان و تلاش برای حل آن‌ها بود.

- مکتب شهید سلیمانی: شهید سلیمانی نیز با تواضع و فروتنی با مردم و نیروهای تحت فرمانش برخورد می‌کرد. او با حضور فعال در میان مردم و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و خیریه، سعی داشت تا به خدمت‌گذاری به جامعه و رفع نیازهای مردم بپردازد. شهید سلیمانی

خود را یک خادم مردم می‌دانست و همیشه تلاش می‌کرد تا مشکلات و دغدغه‌های آنان را بشنود و حل کند.

۳. ایثار و فداکاری

- سیره علوی: امام علی (ع) در تمامی جوانب زندگی خود از جمله حکمرانی، نمونه‌ای از ایثار و فداکاری بود. او برای حفظ ارزش‌ها و اصول اسلام، از جان و مال خود می‌گذشت و در راه خداوند، همیشه آماده فداکاری بود. یکی از مثال‌های بارز ایثار امام علی (ع)، خوابیدن در بستر پیامبر (ص) در شب هجرت بود.

- مکتب شهید سلیمانی: شهید سلیمانی نیز در راه دفاع از ارزش‌های اسلامی و میهن، از ایثار و فداکاری دریغ نمی‌کرد. او با حضور در میدان‌های نبرد و مبارزه با دشمنان، جان خود را برای حفظ امنیت و آرامش مردم به خطر می‌انداخت. شهید سلیمانی با روحیه ایثار و فداکاری، به الگویی برای نیروهای مقاومت و مردم تبدیل شده بود.

۴. تقویت وحدت و انسجام ملی

- سیره علوی: امام علی (ع) به تقویت وحدت و انسجام میان مسلمانان اهمیت ویژه‌ای می‌داد و سعی داشت تا با رفع اختلافات و تفرقه‌ها، جامعه‌ای متحد و یکپارچه را ایجاد کند. او معتقد بود که وحدت اسلامی، عامل قدرت و استحکام جامعه است. برای مثال، ایشان با تلاش برای حل اختلافات و مصالحه بین قبایل و گروه‌های مختلف، سعی در حفظ انسجام و یکپارچگی جامعه داشت.

- مکتب شهید سلیمانی: شهید سلیمانی نیز به تقویت وحدت و انسجام ملی و اسلامی اهمیت بسیاری می‌داد. او با ایجاد اتحاد میان نیروهای مقاومت و برقراری روابط مؤثر با گروه‌های مختلف، سعی داشت تا جبهه‌ای متحد و قوی در برابر دشمنان ایجاد کند. شهید سلیمانی با تلاش‌های خود در این زمینه، نقش بسزایی در تقویت وحدت ملی و انسجام اسلامی ایفا کرد. از جمله اقدامات او در این زمینه، تشکیل و حمایت از نیروهای مقاومت در منطقه بود که به افزایش قدرت و هماهنگی میان این نیروها کمک می‌کرد (Kair, 2007).

۵. ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی

- سیره علوی: امام علی (ع) به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه اهمیت زیادی می‌داد. او با رفتار و گفتار خود، تلاش می‌کرد تا اصولی مانند صداقت، عدالت، امانت‌داری، و تواضع را در میان مردم ترویج دهد. امام علی (ع) با رعایت این اصول در زندگی شخصی و حکومتی خود، به الگویی برای مردم تبدیل شده بود.

- مکتب شهید سلیمانی: شهید سلیمانی نیز با رفتار و کردار خود، به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه کمک می‌کرد. او با تأکید بر اصولی مانند صداقت، عدالت، ایثار و خدمت‌گذاری، سعی داشت تا این ارزش‌ها را در میان مردم و نیروهای تحت فرمانش گسترش دهد. شهید سلیمانی با شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و حضور فعال در میان مردم، به ترویج این ارزش‌ها کمک می‌کرد.

تحلیل تطبیقی نمونه‌های عملی حکمرانی در سیره علوی و مکتب شهید سلیمانی

حکمرانی در سیره علوی (امام علی علیه‌السلام) و مکتب شهید قاسم سلیمانی از نظر مبانی و اصول با یکدیگر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند که در ادامه به تحلیل تطبیقی برخی از این نمونه‌های عملی پرداخته می‌شود:

۱. عدالت

- سیره علوی: امام علی (ع) تأکید ویژه‌ای بر عدالت داشت و همواره در تصمیم‌گیری‌ها و اعمال خود، این اصل را رعایت می‌کرد. او در نامه‌های خود به کارگزاران حکومتی نیز بر اجرای عدالت تأکید می‌کرد و از آنان می‌خواست تا حقوق مردم را رعایت کنند. به عنوان مثال، در نامه به مالک اشتر، امام علی (ع) به او سفارش کرد که عدالت را به عنوان اصل اساسی در حکمرانی خود مد نظر قرار دهد. امام علی (ع) در اجرای عدالت حتی در مورد نزدیک‌ترین افراد خود نیز بدون هیچ‌گونه تبعیض عمل می‌کرد.

- مکتب شهید سلیمانی: شهید سلیمانی نیز بر اصول عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید داشت. او با ایجاد و تقویت شبکه‌های حمایتی برای مردم محروم و نیازمند، سعی داشت تا نابرابری‌ها را کاهش دهد و

فرصت‌های برابر را برای همه فراهم کند. شهید سلیمانی در تمامی فعالیت‌های خود، از جمله مبارزه با تروریسم و تلاش برای حفظ امنیت، همواره به عدالت پایبند بود و سعی داشت تا حقوق همه افراد را رعایت کند.

۲. تواضع و خدمت‌گذاری

- سیره علوی: امام علی (ع) با تواضع و فروتنی با مردم رفتار می‌کرد و به خدمت‌گذاری به آنان اهمیت ویژه‌ای می‌داد. او خود را خادم مردم می‌دانست و سعی داشت تا با رفع مشکلات و نیازهای آنان، زندگی بهتری را برایشان فراهم کند. برای مثال، امام علی (ع) در کوفه به تنهایی به مردم کمک می‌کرد و نیازمندان را یاری می‌رساند. او به کارگزاران خود نیز توصیه می‌کرد که با مردم با مهربانی و فروتنی رفتار کنند.

- مکتب شهید سلیمانی: شهید سلیمانی نیز با تواضع و فروتنی با مردم و نیروهای تحت فرمانش برخورد می‌کرد. او با حضور فعال در میان مردم و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و خیریه، سعی داشت تا به خدمت‌گذاری به جامعه و رفع نیازهای مردم بپردازد. شهید سلیمانی خود را یک خادم مردم می‌دانست و همیشه تلاش می‌کرد تا مشکلات و دغدغه‌های آنان را بشنود و حل کند.

۳. ایثار و فداکاری

- سیره علوی: امام علی (ع) در تمامی جوانب زندگی خود از جمله حکمرانی، نمونه‌ای از ایثار و فداکاری بود. او برای حفظ ارزش‌ها و اصول اسلام، از جان و مال خود می‌گذشت و در راه خداوند، همیشه آماده فداکاری بود. یکی از مثال‌های بارز ایثار امام علی (ع)، خوابیدن در بستر پیامبر (ص) در شب هجرت بود. امام علی (ع) همواره در میدان‌های نبرد حاضر بود و از فداکاری برای حفظ دین و ارزش‌های اسلامی دریغ نمی‌کرد.

- مکتب شهید سلیمانی: شهید سلیمانی نیز در راه دفاع از ارزش‌های اسلامی و میهن، از ایثار و فداکاری دریغ نمی‌کرد. او با حضور در میدان‌های نبرد و مبارزه با دشمنان، جان خود را برای حفظ امنیت و آرامش مردم به خطر می‌انداخت. شهید سلیمانی با روحیه ایثار و

فداکاری، به الگویی برای نیروهای مقاومت و مردم تبدیل شده بود. او با تحمل مشکلات و خطرات فراوان در جبهه‌های جنگ، نشان‌دهنده‌ی تعهد و فداکاری بی‌حد و حصر خود بود.

۴. تقویت وحدت و انسجام ملی

- سیره علوی: امام علی (ع) به تقویت وحدت و انسجام میان مسلمانان اهمیت ویژه‌ای می‌داد و سعی داشت تا با رفع اختلافات و تفرقه‌ها، جامعه‌ای متحد و یکپارچه را ایجاد کند. او معتقد بود که وحدت اسلامی، عامل قدرت و استحکام جامعه است. برای مثال، ایشان با تلاش برای حل اختلافات و مصالحه بین قبایل و گروه‌های مختلف، سعی در حفظ انسجام و یکپارچگی جامعه داشت. امام علی (ع) به کرات در سخنان و نوشته‌های خود به اهمیت وحدت و همبستگی اشاره می‌کرد (Irfani Far, 2020).

- مکتب شهید سلیمانی: شهید سلیمانی نیز به تقویت وحدت و انسجام ملی و اسلامی اهمیت بسیاری می‌داد. او با ایجاد اتحاد میان نیروهای مقاومت و برقراری روابط مؤثر با گروه‌های مختلف، سعی داشت تا جبهه‌ای متحد و قوی در برابر دشمنان ایجاد کند. شهید سلیمانی با تلاش‌های خود در این زمینه، نقش بسزایی در تقویت وحدت ملی و انسجام اسلامی ایفا کرد. از جمله اقدامات او در این زمینه، تشکیل و حمایت از نیروهای مقاومت در منطقه بود که به افزایش قدرت و هماهنگی میان این نیروها کمک می‌کرد. شهید سلیمانی با استفاده از تجربیات و مهارت‌های خود در تعامل با نیروهای مختلف، توانست اتحادی قوی و مستحکم بین آن‌ها ایجاد کند.

۵. ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی

- سیره علوی: امام علی (ع) به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه اهمیت زیادی می‌داد. او با رفتار و گفتار خود، تلاش می‌کرد تا اصولی مانند صداقت، عدالت، امانت‌داری، و تواضع را در میان مردم ترویج دهد. امام علی (ع) با رعایت این اصول در زندگی شخصی و حکومتی خود، به الگویی برای مردم تبدیل شده بود. او همواره در سخنان خود به اهمیت اخلاق و فضایل انسانی تأکید می‌کرد.

- مکتب شهید سلیمانی: شهید سلیمانی نیز با رفتار و کردار خود، به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه کمک می‌کرد. او با تأکید بر اصولی مانند صداقت، عدالت، ایثار و خدمت‌گذاری، سعی داشت تا این ارزش‌ها را در میان مردم و نیروهای تحت فرمانش گسترش دهد. شهید سلیمانی با شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و حضور فعال در میان مردم، به ترویج این ارزش‌ها کمک می‌کرد. او با اخلاق و رفتار خود، نمونه‌ای برای دیگران بود و تلاش می‌کرد تا با رفتار خود، به دیگران ارزش‌های اخلاقی و انسانی را بیاموزد.

در نتیجه، حکمرانی در سیره علوی و مکتب شهید سلیمانی هر دو بر اصول عدالت، تواضع، خدمت‌گذاری، ایثار و فداکاری تأکید دارند. هر دو رهبر با رفتار و کردار خود، الگویی برای پیروان و مردمان خود ایجاد کرده‌اند که به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه کمک می‌کند. در حالی که امام علی (ع) به عنوان یک پیشوای دینی و تاریخی اصول حکمرانی خود را به کار گرفت، شهید سلیمانی نیز به عنوان یک فرمانده نظامی و اجتماعی این اصول را در زمان معاصر پیاده‌سازی کرد (Shafiei Seif Abadi & Abedi, 2021).

نتیجه‌گیری

سیره علوی به عنوان یک الگوی عملی در مدیریت و حکمرانی اسلامی، اصول و ارزش‌های مهمی را تبیین کرده است که می‌تواند به بهبود حکمرانی و مدیریت کلان جامعه کمک کند. امام علی (ع) با تأکید بر اصول عدالت اجتماعی، حقوق انسان‌ها، شفافیت و پاسخگویی، اخلاق و معنویت و مشارکت مردمی، تلاش داشت تا جامعه‌ای عادلانه و منصفانه برای همه افراد فراهم آورد. بررسی و تحلیل سیره علوی می‌تواند به فهم بهتری از اصول حکمرانی اسلامی منجر شود و راهگشای سیاست‌گذاران و مدیران جامعه اسلامی در جهت بهبود حکمرانی و مدیریت کلان جامعه باشد.

اصول حکمرانی در سیره علوی شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها و آموزه‌های اخلاقی، اجتماعی و دینی است که امام علی (ع) به عنوان

یکی از برجسته‌ترین حکمرانان تاریخ اسلام به نمایش گذاشته است. این اصول شامل عدالت اجتماعی، حقوق انسان‌ها، شفافیت و پاسخگویی، اهمیت اخلاق و معنویت و مشارکت مردمی است. امام علی (ع) با تأکید بر این اصول، تلاش داشت تا جامعه‌ای عادلانه و منصفانه برای همه افراد فراهم آورد. بررسی و تحلیل سیره علوی می‌تواند به فهم بهتری از اصول حکمرانی اسلامی منجر شود و راهگشای سیاست‌گذاران و مدیران جامعه اسلامی در جهت بهبود حکمرانی و مدیریت کلان جامعه باشد.

امام علی (ع) با رفتار و عملکرد خود در دوران خلافت، نمونه‌های عملی بسیاری از اصول حکمرانی عادلانه و مسئولیت‌پذیر را به نمایش گذاشت. او با تأکید بر اصول عدالت اجتماعی، حقوق انسان‌ها، شفافیت و پاسخگویی، اخلاق و معنویت و مشارکت مردمی، تلاش داشت تا جامعه‌ای عادلانه و منصفانه برای همه افراد فراهم آورد. بررسی و تحلیل نمونه‌های عملی حکمرانی امام علی (ع) می‌تواند به فهم بهتری از اصول حکمرانی اسلامی منجر شود و راهگشای سیاست‌گذاران و مدیران جامعه اسلامی در جهت بهبود حکمرانی و مدیریت کلان جامعه باشد.

حکمرانی در سیره علوی و مکتب شهید قاسم سلیمانی هر دو بر اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی تأکید دارند. این دو الگوی برجسته، با رفتار و کردار خود، نقش مهمی در ترویج و تقویت اصولی همچون عدالت، تواضع، خدمت‌گذاری، ایثار و فداکاری، تقویت وحدت و انسجام ملی و ترویج ارزش‌های اخلاقی در جامعه ایفا کرده‌اند.

- عدالت: امام علی (ع) و شهید سلیمانی هر دو به اصول عدالت در حکمرانی خود پایبند بودند و تلاش کردند تا نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها را کاهش دهند. امام علی (ع) با تأکید بر عدالت در تمامی جوانب زندگی، از جمله حکمرانی، به الگویی برای حکمرانان تبدیل شد. شهید سلیمانی نیز با ترویج عدالت اجتماعی و اقتصادی، به بهبود شرایط زندگی مردم محروم و نیازمند کمک می‌کرد.

- تواضع و خدمت‌گذاری: هر دو رهبر با تواضع و فروتنی با مردم برخورد کرده و خود را خادم مردم می‌دانستند. تلاش‌های آنان برای رفع مشکلات و نیازهای جامعه، نمونه‌ای از خدمت‌گذاری بی‌نظیرشان بود. امام علی (ع) با تواضع و فروتنی با مردم رفتار می‌کرد و شهید سلیمانی نیز با حضور فعال در میان مردم و شرکت در فعالیت‌های خیریه، به خدمت‌رسانی به جامعه می‌پرداخت.

- ایثار و فداکاری: امام علی (ع) و شهید سلیمانی هر دو با ایثار و فداکاری در راه حفظ ارزش‌های اسلامی و خدمت به مردم، نشان‌دهنده تعهد و پابندی به اصول اخلاقی بودند. امام علی (ع) با ایثار و فداکاری در میدان‌های نبرد و شهید سلیمانی با حضور در میدان‌های جنگ و مبارزه با دشمنان، هر دو نشان‌دهنده تعهد و ایثار بی‌نظیر خود بودند.

- تقویت وحدت و انسجام ملی: هر دو رهبر به اهمیت وحدت و انسجام ملی تأکید داشتند و سعی کردند تا با ایجاد اتحاد و همبستگی میان مردم، جامعه‌ای متحد و قدرتمند را بنا کنند. امام علی (ع) با تلاش برای حل اختلافات و مصالحه بین گروه‌های مختلف و شهید سلیمانی با ایجاد اتحاد میان نیروهای مقاومت، به تقویت وحدت و انسجام ملی کمک کردند.

- ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی: امام علی (ع) و شهید سلیمانی با رفتار و گفتار خود، ارزش‌های اخلاقی و انسانی را در جامعه ترویج دادند و با تأکید بر اصولی همچون صداقت، عدالت، ایثار و خدمت‌گذاری، به الگویی برای پیروان و مردمان خود تبدیل شدند. امام علی (ع) با رعایت این اصول در زندگی شخصی و حکومتی و شهید سلیمانی با حضور فعال در میان مردم و ترویج این ارزش‌ها، هر دو به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه کمک کردند.

حکمرانی در سیره علوی و مکتب شهید قاسم سلیمانی هر دو بر اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی تأکید دارند. این دو الگوی برجسته، با رفتار و کردار خود، نقش مهمی در ترویج و تقویت اصولی همچون عدالت، تواضع، خدمت‌گذاری، ایثار و فداکاری، تقویت وحدت و انسجام ملی و ترویج ارزش‌های اخلاقی در جامعه ایفا کرده‌اند.

- عدالت: امام علی (ع) و شهید سلیمانی هر دو به اصول عدالت در حکمرانی خود پایبند بودند و تلاش کردند تا نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها را کاهش دهند. امام علی (ع) با تأکید بر عدالت در تمامی جوانب زندگی، از جمله حکمرانی، به الگویی برای حکمرانان تبدیل شد. او در نامه‌های خود به کارگزاران حکومتی نیز بر اجرای عدالت تأکید می‌کرد و از آنان می‌خواست تا حقوق مردم را رعایت کنند. در موارد بسیاری، امام علی (ع) حتی حقوق کسانی که با او دشمنی داشتند را نیز رعایت می‌کرد. شهید سلیمانی نیز با ترویج عدالت اجتماعی و اقتصادی، به بهبود شرایط زندگی مردم محروم و نیازمند کمک می‌کرد. او با ایجاد و تقویت شبکه‌های حمایتی برای مردم محروم، سعی داشت تا نابرابری‌ها را کاهش دهد و فرصت‌های برابر را برای همه فراهم کند.

- تواضع و خدمت‌گذاری: هر دو رهبر با تواضع و فروتنی با مردم برخورد کرده و خود را خادم مردم می‌دانستند. امام علی (ع) با تواضع و فروتنی با مردم رفتار می‌کرد و خود را به عنوان یک خدمتگزار در میان آنان می‌دید. او به کارگزاران خود نیز توصیه می‌کرد که با مردم با مهربانی و فروتنی رفتار کنند. شهید سلیمانی نیز با حضور فعال در میان مردم و شرکت در فعالیت‌های خیریه، به خدمت‌رسانی به جامعه می‌پرداخت. او با تواضع و فروتنی با مردم و نیروهای تحت فرمانش برخورد می‌کرد و خود را یک خادم مردم می‌دانست. او با حضور در میان مردم و شنیدن مشکلات آنان، سعی می‌کرد تا نیازهای آنان را برآورده کند و زندگی بهتری را برایشان فراهم کند.

- ایثار و فداکاری: امام علی (ع) و شهید سلیمانی هر دو با ایثار و فداکاری در راه حفظ ارزش‌های اسلامی و خدمت به مردم، نشان‌دهنده تعهد و پابندی به اصول اخلاقی بودند. امام علی (ع) در تمامی جوانب زندگی خود از جمله حکمرانی، نمونه‌ای از ایثار و فداکاری بود. او برای حفظ ارزش‌ها و اصول اسلام، از جان و مال خود می‌گذشت و در راه خداوند، همیشه آماده فداکاری بود. شهید سلیمانی نیز در راه دفاع از ارزش‌های اسلامی و میهن، از ایثار و فداکاری دریغ نمی‌کرد. او با حضور در میدان‌های نبرد و مبارزه با

دشمنان، جان خود را برای حفظ امنیت و آرامش مردم به خطر می‌انداخت. او با تحمل مشکلات و خطرات فراوان در جبهه‌های جنگ، نشان‌دهنده‌ی تعهد و فداکاری بی‌حد و حصر خود بود.

- تقویت وحدت و انسجام ملی: هر دو رهبر به اهمیت وحدت و انسجام ملی تأکید داشتند و سعی کردند تا با ایجاد اتحاد و همبستگی میان مردم، جامعه‌ای متحد و قدرتمند را بنا کنند. امام علی (ع) به کرات در سخنان و نوشته‌های خود به اهمیت وحدت و همبستگی اشاره می‌کرد. او معتقد بود که وحدت اسلامی، عامل قدرت و استحکام جامعه است و سعی داشت تا با حل اختلافات و مصالحه بین گروه‌های مختلف، انسجام و یکپارچگی جامعه را حفظ کند. شهید سلیمانی نیز به تقویت وحدت و انسجام ملی و اسلامی اهمیت بسیاری می‌داد. او با ایجاد اتحاد میان نیروهای مقاومت و برقراری روابط مؤثر با گروه‌های مختلف، سعی داشت تا جبهه‌ای متحد و قوی در برابر دشمنان ایجاد کند. از جمله اقدامات او در این زمینه، تشکیل و حمایت از نیروهای مقاومت در منطقه بود که به افزایش قدرت و هماهنگی میان این نیروها کمک می‌کرد. او با استفاده از تجربیات و مهارت‌های خود در تعامل با نیروهای مختلف، توانست اتحادی قوی و مستحکم بین آن‌ها ایجاد کند.

- ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی: امام علی (ع) و شهید سلیمانی با رفتار و گفتار خود، ارزش‌های اخلاقی و انسانی را در جامعه ترویج دادند و با تأکید بر اصولی همچون صداقت، عدالت، ایثار و خدمت‌گذاری، به الگویی برای پیروان و مردمان خود تبدیل شدند.

امام علی (ع) با رعایت این اصول در زندگی شخصی و حکومتی و figure in Islamic governance, established an ethical framework based on justice, transparency, humility, and social responsibility, as reflected in his sermons and letters in *Nahj al-Balagha* (Zarei, 2004). His governance model emphasized the equitable distribution of resources, ensuring that rulers remain accountable to their subjects and that ethical leadership be prioritized over political expediency (Mohammadi, 2017). Similarly, Martyr Qasem Soleimani, as a contemporary figure

شهید سلیمانی با حضور فعال در میان مردم و ترویج این ارزش‌ها، هر دو به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه کمک کردند. امام علی (ع) به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه اهمیت زیادی می‌داد و با رفتار و گفتار خود، تلاش می‌کرد تا اصولی مانند صداقت، عدالت، امانت‌داری، و تواضع را در میان مردم ترویج دهد. شهید سلیمانی نیز با رفتار و کردار خود، به ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه کمک می‌کرد و با تأکید بر اصولی مانند صداقت، عدالت، ایثار و خدمت‌گذاری، سعی داشت تا این ارزش‌ها را در میان مردم و نیروهای تحت فرمانش گسترش دهد.

به طور کلی، این دو رهبر بزرگوار با پیاده‌سازی اصول حکمرانی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و انسانی، نقش مهمی در تقویت و ترویج این ارزش‌ها در جامعه ایفا کرده‌اند. حکمرانی آنان نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت پایبندی به اصول اخلاقی در تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی است. با پیروی از این الگوها، می‌توان به جامعه‌ای پایدار، عادلانه و انسانی دست یافت که در آن همه افراد از حقوق و فرصت‌های برابر برخوردار باشند و به ارزش‌های اخلاقی و انسانی پایبند بمانند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The issue of governance ethics has been a fundamental subject in political thought, particularly within Islamic traditions, where ethical principles are integral to leadership and public administration. The present study aims to conduct a comparative analysis of governance ethics as reflected in the Alawite tradition and the Soleimani School, highlighting their shared principles and distinct applications. Imam Ali (AS), as a central

in governance ethics, adhered to a principled approach to leadership, combining military strategy with moral responsibility. His governance ethics were deeply rooted in Islamic values, particularly concerning resistance against oppression and advocacy for social justice (Naderi, 2011). By juxtaposing these two governance models, this study elucidates how the ethical principles of the Alawite tradition have continued to shape contemporary governance through figures such as Soleimani. Utilizing a thematic analysis approach, the research extracts key components of governance ethics from both traditions, relying on Soleimani's speeches, interviews, and last will as primary sources (Shafiei Seif Abadi & Abedi Ardakani, 2021). This comparison reveals that while the Alawite tradition was centered on justice, fairness, and direct governance, the Soleimani School extended these principles into modern resistance and strategic leadership.

Governance ethics in the Alawite tradition revolve around the concept of justice as the bedrock of governance. Imam Ali (AS) was renowned for his insistence on ensuring that leaders uphold justice, treat their subjects with fairness, and resist corruption at all levels of administration (Midari & Kheirkhah, 2004). His governance model was distinguished by its unwavering commitment to transparency, as evident in his numerous letters to his governors, in which he cautioned them against nepotism, misuse of public funds, and favoritism in political appointments (Mousavi et al., 2018). Imam Ali (AS) insisted that rulers remain humble, accessible to the public, and ready to accept criticism (Irfani Far, 2020). He frequently reminded his administrators that governance was a responsibility rather than a privilege, emphasizing that leaders should serve rather than exploit the people. Moreover, the Alawite tradition underscored participatory governance, where leaders actively sought counsel from their subjects before making critical decisions (Mohaghegh et al., 2009). Imam Ali (AS) considered governance a moral obligation intertwined with spirituality, where personal piety directly impacted public

service. This ethical model fostered a society where justice was paramount, and leadership was a duty rather than a means of acquiring power.

The Soleimani School represents a contemporary manifestation of these ethical principles, adapted to the modern context of military strategy, international relations, and resistance movements. Soleimani's leadership was distinguished by his commitment to defending the oppressed, irrespective of national or sectarian affiliations (Nikoonasbati, 2012). He viewed governance ethics as an extension of religious duty, positioning himself as a servant rather than a commander. His leadership was characterized by self-sacrifice, as he prioritized the well-being of his forces and the protection of civilians over personal gains (Kair, 2007). Soleimani's ethics of governance involved empowering local populations, strengthening resistance movements, and ensuring that governance structures remained accountable to the people they served. His approach to governance, while rooted in traditional Islamic principles, was highly pragmatic; he emphasized adaptability, strategic foresight, and grassroots participation in decision-making (Kardanpour et al., 2018). Soleimani's leadership model was also deeply interpersonal; he built relationships with local leaders and resistance groups to ensure that governance structures remained inclusive and participatory (Vaezi, 2019). His ability to combine military command with ethical leadership underscores the relevance of governance ethics beyond the administrative domain, extending it into the realm of security and national defense.

A comparative analysis of governance ethics in the Alawite tradition and the Soleimani School reveals both parallels and divergences. While both models prioritize justice, ethical leadership, and social responsibility, their applications differ due to historical and geopolitical contexts. The Alawite tradition, as exemplified by Imam Ali (AS), was primarily concerned with governance at the state level, where the focus was on legal justice, administrative fairness, and economic equity (Salar Zehi & Ebrahimpour, 2012). Soleimani, on the

other hand, operated within the contemporary landscape of asymmetrical warfare and geopolitical struggle, where governance ethics had to be applied within conflict zones and through non-state actors. While Imam Ali (AS) emphasized internal state governance, Soleimani's model of governance ethics was transnational, addressing issues of sovereignty, resistance, and counterterrorism. The ethical foundations, however, remained consistent across both figures; governance, in both models, was inseparable from moral responsibility and social justice (Labaaf & Deloui, 2005). This study argues that by examining these two models, policymakers and governance scholars can derive principles that can be applied to contemporary leadership, particularly in societies grappling with ethical dilemmas in governance.

The findings of this study indicate that governance ethics in the Alawite tradition and the Soleimani School share foundational principles that transcend time and geography. Both models advocate for justice-driven leadership, the prioritization of ethical integrity over political expediency, and the importance of leaders remaining accountable to their people. While Imam Ali (AS) emphasized judicial fairness, bureaucratic ethics, and administrative transparency, Soleimani extended these principles to military leadership, international diplomacy, and counterinsurgency strategies. The relevance of these governance ethics in contemporary times is particularly significant in regions affected by political instability and governance failures, where ethical leadership remains a crucial determinant of state legitimacy and social cohesion. Moreover, this study underscores the necessity of integrating ethical principles into governance frameworks to ensure sustainable and just leadership models.

In conclusion, this research highlights the enduring relevance of governance ethics as articulated in the Alawite tradition and the Soleimani School. While differing in their operational contexts, both models underscore the necessity of justice, ethical governance, and moral responsibility in leadership. By studying these governance ethics,

contemporary leaders can draw valuable insights into maintaining ethical integrity while addressing the complex realities of modern governance. The Alawite tradition offers a legalistic and administrative framework for ethical leadership, while the Soleimani School adapts these principles to contemporary geopolitical struggles, showcasing the application of governance ethics in modern resistance movements. These governance models serve as a testament to the timeless nature of ethical leadership and its profound impact on societal stability and justice.

References

- Irfani Far, A. (2020). The strategic role of General Qassem Soleimani in the formation of the resistance axis and its unified management. *Supreme Governance Journal*, 1.
- Kair, A. M. (2007). *Governance: Key concepts*. Institute for Higher Education and Research in Management and Planning Publications, Tehran.
- Kardanpour, M., Karbasi, A., & Mohammadi, M. (2018). *Explaining the management model of martyr General Qassem Soleimani based on Letter 53 of Nahj al-Balagha* Master's Thesis in Public Management, Payame Noor University, Tehran, Iran].
- Labaaf, H., & Deloui, M. R. (2005). An analysis of the impact of national culture on the formation of indigenous management. *Management and Development Process Journal*, 63-64.
- Midari, A., & Kheirkhah, J. (2004). *Good governance: The foundation of development*. Research Center of the Islamic Consultative Assembly of Iran, Tehran.
- Mohaghegh, M., Mirdamadi, S. M., & Dasht Ranj, H. (2009). The philosophy of ethics of rulers from Plato's perspective. *Payk Noor*, 8(3).
- Mohammadi, H. (2017). A critical analysis of the philosophy of ethics in the realm of public management and governance. *Islam and Management Scientific-Technical Journal*, 6(11).
- Mousavi, S. Z. A., Aghaei Jannat Makani, H., & Norouzi, N. (2018). The role of Islamic ethics in desirable governance. *Ethical Research Journal*, 6(4), 203-224.
- Naderi, M. M. (2011). Good governance: Introduction and critique. *Islam and Management Research Journal*.
- Nikoonasbati, A. (2012). Governance and development: Past, present, future. *Scientific-Research Journal of Planning and Budgeting*, 16(4).
- Salar Zehi, H. B., & Ebrahimpour, H. (2012). Examining the evolution of governance

paradigms: From traditional governance to good governance paradigm. *Public Management Journal*, 4(9).

Shafiei Seif Abadi, M., & Abedi Ardakani, M. (2021). Evaluating the influential factors of the behavioral model and the jihadist management of General Soleimani based on Everett Rogers' theory: A case study of the resistance axis in the Middle East. *Strategic Studies of Basij*, 91.

Vaezi, R. (2019). Collaborative governance.

Zarei, M. H. (2004). Good governance, sovereignty, and government in Iran. *Legal Research Journal*, 40.